



Islamic Maaref University

Scientific Journal

PAZHUHESH NAME-E AKHLAQ


Vol. 17, Spring 2024, No. 63

The model of an Islamic trainer from the point of view of Nahj al-Balagha and its effect on Islamic education

Mohsen Fatahi Ardakani ¹ \ Seyyed Mohammad Taha Mirshamsi ²

1. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Farhangian University, Tehran, Iran.
fatahi@cfu.ac.ir

2. A student of theology and Islamic education at Farhangian University, Yazd, Iran.
smtahamirshamsi@gmail.com

Abstract Info	Abstract
Article Type: Research Article  Received: 2024.04.16 Accepted: 2024.06.19	<p>The requirement of effective education in theology courses is for the student to reach a virtuous life and ultimate perfection. In Nahj al-Balagha, various aspects of human needs are explained. From this point of view, the trainer of the Islamic level must have expertise and knowledge in the fields of faith, worship and ethics; political and social; scientific and technological; economic and professional; biological and physical; be aesthetic and artistic. In the present research, with the descriptive-analytical method, while explaining these areas, with a quantitative comparison, in terms of graphs and statistics, it was determined that among these areas, the belief, devotional and moral areas, also in this area, the two components of religiosity and ethics, and the component of moderation, which means moderation and proportionality and harmony in traits and actions, have the highest mean.</p>
Keywords	Education and training, personality, standard trainer, Nahj al-Balagha, Islamic education.
Cite this article:	Fatahi Ardakani, Mohsen & Seyyed Mohammad Taha Mirshamsi (2024). The model of an Islamic trainer from the point of view of Nahj al-Balagha and its effect on Islamic education. <i>Pazhuhesh Name-E Akhlaq</i> . 17 (1). 69-90. DOI: https://doi.org/10.22034/17.63.4
DOI:	https://doi.org/10.22034/17.63.4
Publisher:	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

نموذج المربي في الطراز الإسلامي من وجهة نظر نهج البلاغة وتأثيره في تدريس المعارف الإسلامية

محسن فتاحي اردكاني^١ / سيد محمد طاهها ميرشمسي^٢

١. أستاذ مساعد في قسم المعارف الإسلامية، جامعة فرهنگيان، طهران، إيران.

fattahi@cfu.ac.ir

٢. طالب في قسم تعليم الإلهيات و المعارف الإسلامية جامعة فرهنگيان، يزد، إيران.

smtahamirshamsi@gmail.com

ملخص البحث	معلومات المادة
ضرورة التعليم الفعّال في دروس العقيدة هو وصول المتربي إلى حياة طيبة والكمال النهائي. ففي نهج البلاغة، تمّ بيان الأبعاد المختلفة لاحتياجات الإنسان. من هذا المنظر، يجب أن يكون المربي في الطراز الإسلامي مُتخصّصاً وواعياً في المجالات العقائدية، العبادية، والأخلاقية؛ السياسية والاجتماعية؛ العلم والتكنولوجيا؛ الاقتصاد والمهن؛ الحياة البدنية والصحية؛ الجمال والفنون. ففي هذه الدراسة، باستخدام المنهج الوصفي التحليلي، تمّ توضيح هذه المجالات، ومن خلال المقارنة الكمية باستخدام الرسوم البيانية والإحصائيات، تمّ تحديد أن من بين هذه المجالات، فإن المجال الاعتقادي، العبادي والأخلاقي، بالإضافة إلى أن في هذا المجال، يعتبر عنصران من أهم المؤشرات هما الدين والأخلاق، وعنصر الاعتدال الذي يقصد به التوازن والاعتدال في الصفات والأفعال، لديهما أعلى معدل.	نوع المقال: بحث تاريخ الاستلام: ١٤٤٥/١٠/٠٧ تاريخ القبول: ١٤٤٥/١٢/١٢
التربية والتعليم، الشخصية، مربي الطراز، نهج البلاغة، تعليم المعارف الإسلامية.	الألفاظ المفتاحية
فتاحي اردكاني، محسن و سيد محمد طاهها ميرشمسي (١٤٤٥). نموذج المربي في الطراز الإسلامي من وجهة نظر نهج البلاغة وتأثيره في تدريس المعارف الإسلامية. مجلة علمية النشرة الاخلاقية. ١٧ (١). ٩٠ - ٦٩.	الاقتباس:
DOI: https://doi.org/10.22034/17.63.4	رمز DOI:
https://doi.org/10.22034/17.63.4	الناشر:
جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران.	



پژوهش‌نامه اخلاق

نشریه علمی

سال ۱۷، بهار ۱۴۰۳، شماره ۶۳

الگوی مربی تراز اسلامی از منظر نهج البلاغه و تأثیر آن بر آموزش معارف اسلامی

محسن فتاحی اردکانی^۱ / سید محمد طاها میرشمسی^۲

۱. استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

fattahi@cfu.ac.ir

۲. دانشجوی آموزش الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، یزد، ایران.

smtahamirshamsi@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی (۹۰ - ۶۹)	لازمه آموزش اثربخش در دروس الهیات، رسیدن مترقی به حیات طیبه و کمال نهایی است. در نهج البلاغه ابعاد مختلف نیازهای انسان تبیین شده است. از این منظر مربی تراز اسلامی باید دارای تخصص و آگاهی در ساحت‌های اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ سیاسی و اجتماعی؛ علمی و فناوری؛ اقتصادی و حرفه‌ای؛ زیستی و بدنی؛ زیبایی‌شناختی و هنری، باشد. در پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، ضمن تبیین این ساحت‌ها، با مقایسه کمی، به لحاظ نموداری و آماری، مشخص گردید در میان این ساحت‌ها، ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، همچنین در این ساحت، دو مؤلفه دین‌داری و اخلاق، و مؤلفه اعتدال که مراد از آن میانه‌روی و تناسب و هماهنگی در صفات و افعال است، از بالاترین میانگین برخوردار است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۸	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰	
واژگان کلیدی	تعلیم و تربیت، شخصیت، مربی تراز، نهج البلاغه، آموزش معارف اسلامی.
استناد:	فتاحی اردکانی، محسن و سید محمد طاها میرشمسی (۱۴۰۳). الگوی مربی تراز اسلامی از منظر نهج البلاغه و تأثیر آن بر آموزش معارف اسلامی. پژوهش‌نامه اخلاق، ۱۷ (۱)، ۹۰ - ۶۹. DOI: https://doi.org/10.22034/17.63.4
کد DOI:	https://doi.org/10.22034/17.63.4
ناشر:	دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

طرح مسئله

شکی نیست هر انسانی طالب سعادت و کمال است و عامل «فطرت»، او را به‌سوی کمال دعوت می‌کند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۳۳) بنابراین اصل مسئله سعادت و کمال‌طلبی انسان جزو مسائل فطری، و درست مانند دیگر امور فطری، حقایقی فراگیر و همگانی است و وجود هر انسانی با این واقعیت سرشته شده است. از این‌رو چگونگی دستیابی به این حقیقت و واقعیت فراگیر فطری همواره مورد توجه مکاتبی چون مکتب عقل (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۲۷؛ سروش، ۱۳۹۴: ۸۱؛ فارابی، ۱۴۱۳: ۱۸۳) عرفان و تصوف (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۴۵؛ شه‌بخش، ۱۳۸۸: ۱۳۵) قدرت (مطهری، ۱۳۶۷: ۲۱۳؛ نیچه، ۱۳۷۷: ۸۶) و محبت و معرفت (مطهری، ۱۳۶۷: ۲۵۵؛ سهروردی، ۱۳۷۳: ۲ / ۱۳۶) بوده. همچنین اینکه چه عوامل و ساحت‌هایی زمینه‌ساز دستیابی انسان به حیات طیبه و کمال است، یکی از دغدغه‌های بشر و مکاتب فکری بوده و هر یک بر اساس ایدئولوژی معرفتی خود، کمالی را برای انسان ترسیم کرده‌اند. برای دستیابی به حیات طیبه و سیر تکاملی انسان، باید به ابعاد و ساحت‌های شش‌گانه تعلیم و تربیت، یعنی ساحت‌های اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ سیاسی و اجتماعی؛ علمی و فناوری؛ اقتصادی و حرفه‌ای؛ زیستی و بدنی؛ زیباشناختی و هنری که در متون دینی و از جمله نهج‌البلاغه اشاره شده، توجه کرد. اتفاقاً در اسناد بالادستی نظام آموزشی کشور نیز بر این ساحت‌ها تأکید شده است. در اسناد بالادستی نظام آموزشی کشور، تعلیم و تربیت فرایندی چندوجهی و هدفمند در جهت رسیدن به حیات طیبه معرفی شده که زمینه شکوفایی هویت اسلامی نسل نو و پیشرفت جامعه صالح اسلامی را فراهم می‌آورد. (سند تحول، ۱۳۹۰: ۱۰)

«کمال»، بعد از «تمام» بودن یک شیء است و سیر تکاملی انسان با تمامیت او متفاوت است. (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۳ / ۹۹ و ۹۸) سیر تکاملی انسان به‌دلیل قابلیت‌ها و استعدادهای وجودی او، با دیگر موجودات، متمایز است. یکی از این قابلیت‌ها مسئله تعلیم و تربیت برای دستیابی به کمال، و سیر وجودی انسان از قوه به فعلیت است. درواقع این حرکت تکاملی، تجلی اختیار انسان است و او با انتخابی آزادانه، مسیر حرکت تکاملی خود را تعیین می‌کند. تفاوت عمده انسان با دیگر موجودات، قابلیت تربیت‌پذیری انسان در مسیر کمال و سیر مراتب وجودی او (با توجه به مشکک بودن وجود) است که دارای ابعاد مختلف جسمی، عاطفی، اخلاقی، اجتماعی، معنوی و ... است؛ درحالی‌که تربیت حیوانات، محدود به ابعاد غریزی و رفتاری خاص آن گونه است. هر انسانی در هر مرتبه از کمال، از نظر وجودی، سعه بیشتری دارد و این به‌دلیل کرامت اکتسابی اوست. به عبارت دیگر، انسان به وصف کرامت در میان موجودات توصیف شده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء / ۷۰) ولی با همین کرامت تکوینی می‌تواند ظرفیت‌ها و استعدادهای بالقوه‌ای را که در او

به ودیعه گذاشته شده، به فعلیت رساند و به عالی‌ترین مراتب کمال، فضایل انسانی و حیات طیبه که همان کرامت اکتسابی است، دست یابد. این نوع کرامت در قرآن، وابسته به تلاش، و معیاری برای برتری انسان‌هاست: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ». (حجرات / ۱۳)

انسانی کامل است که در مسیر کرامت اکتسابی‌اش، همه ارزش‌ها و ویژگی‌های والای انسانی را در خود پرورش داده، به فعلیت رسانده باشد و همه این ویژگی‌ها با هم و هماهنگ رشد یافته باشند. لذا شناخت این شاخصه‌ها و ویژگی‌ها در آموزش دینی از اهمیت بسزایی برخوردار است. نهج البلاغه که یکی از منابع اسلامی در تبیین معارف دینی است، سرشار از آموزه‌ها و رهنمون‌هایی است که به این نوع از کرامت اشاره کرده و به انسان‌ها راه بهتر زیستن و دستیابی به حیات طیبه و کمال را نشان داده و آنها را در مسیر سعادت و قرب الهی قرار داده است و در آن، اصول و مبانی و ساحت‌های تربیت انسان به شیوه‌هایی زیبا و عمیق، بحث و تبیین شده.

پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی است. گردآوری اطلاعات نیز به روش کتابخانه‌ای است و اطلاعات گردآوری‌شده با مقایسه کمی به لحاظ نموداری و آماری، بررسی شده‌اند.

سؤال اصلی مقاله این است:

مربی تراز اسلامی از منظر نهج البلاغه در آموزش آموزه‌های دینی با توجه به وضع مطلوب زندگی بشر در همه ابعاد، به لحاظ شخصیتی و عملی، چه شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

پیشینه

درباره پیشینه موضوع، با جست‌وجوی متعدد کلیدواژگان مربی و معلم تراز، آموزش آموزه‌های دینی و ساحت‌های شش‌گانه تعلیم و تربیت، می‌توان به این مقالات اشاره کرد: «بنیان اخلاقی اصل تقدم تعلیم و تربیت خویش بر تعلیم و تربیت دیگران در پرتو حکمت ۷۳ نهج البلاغه»، اثر فرامرز قراملکی (۱۳۸۹)؛ «بایسته‌های تربیت دینی با رویکرد به استاد و مربی»، اثر بخشیان (۱۳۹۱)؛ «نقش تعلیم و تربیت در معرفی، الگودهی و تقویت ارزش‌های دینی»، اثر صادقی (۱۳۹۳)؛ «تقدم تزکیه بر تعلیم و انعکاس آن در ویژگی‌های مربی و معلم از دیدگاه اسلام»، اثر بهروز و توسلی (۱۳۹۳)؛ «بررسی اخلاق حرفه‌ای معلمی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی از منظر استاد شهید مطهری» اثر مهدی‌زاده (۱۳۹۶)؛ «تربیت معلم تراز نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس آموزه‌های قرآن کریم»، اثر توکلی (۱۳۹۷)؛ «صلاحیت حرفه‌ای مربیان تربیت دینی: ارائه چارچوبی همسو با حکمت ۱۴۷ نهج البلاغه»، اثر شهریاری و نجفی (۱۳۹۸)؛ «رویکرد تعلیم و تربیت در ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، اثر نوروزی‌نژاد و

طباطبائی (۱۳۹۹): «طراحی و تدوین الگوی تربیت معلم کارآمد تراز جمهوری اسلامی با تأکید بر اسناد بالادستی»، اثر معتمد و یحیایی و قاسمی‌زاده (۱۴۰۱): «تبیین ویژگی‌های معلم تراز با رویکرد سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش»، اثر عباسی و زرین‌کیا و جعفری (۱۴۰۲).

در مقالات نامبرده اگرچه به بعدی از ابعاد مسأله اشاره شده، اما بررسی دقیق و جامعی از الگوی شخصیتی و عملی مربی تراز اسلامی در نهج‌البلاغه و تأثیر آن بر آموزش آموزه‌های دینی با رویکرد به ساحت‌های ششگانه تعلیم و تربیت، همچنان به چشم نمی‌خورد و به نظر می‌رسد این حوزه، علی‌رغم اهمیت آن، کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ لذا، پژوهش حاضر با هدف تبیین این الگوی شخصیتی و عملی، به بررسی تأثیر آن بر فرآیند آموزش آموزه‌های دینی با تأکید بر ساحت‌های شش‌گانه تعلیم و تربیت می‌پردازد. این پژوهش با رویکردی نوآورانه، می‌تواند افق‌های جدیدی را در مطالعات علوم انسانی و به ویژه در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی ایجاد نماید.

الف) شخصیت

شخصیت را می‌توان الگوهای اختصاصی و متمایز تفکر و هیجان و رفتار دانست که اسلوب شخصی تعامل با محیط فیزیکی و اجتماعی هر شخص را رقم می‌زنند. (آگینسون و دیگران، ۱۴۰۰: ۴۴۰)

شخصیت عبارت است از صفات، خصوصیات بدنی، زیستی و استعدادهایی که آدمی به‌صورت قوه محض با خود به دنیا می‌آورد تا بعد به‌تدریج بالفعل شوند. این قوه در جریان زندگی، به‌وسیله ارتباط و تماس با محیط خارج، پیچیده‌تر و سبب شکل‌گیری عادات و تمایلات آدمی می‌شود. (سیاسی، ۱۳۵۲: ۲۵ - ۲۴)

بنابراین شخصیت، مفهومی انتزاعی و دربردارنده اعمال، هیجان‌ها، شناخت‌ها و انگیزه‌های فرد است. شخصیت، هم ثابت و هم انعطاف‌پذیر است و از تعامل فاکتورهای محیطی و ژنتیکی حاصل می‌شود. (آلن ا، ۱۳۷۵: ۳۵) البته باید توجه داشت که همه تعاریف شخصیت را نمی‌توان در قالب یک نظریه خاص یافت؛ زیرا درحقیقت، تعریف شخصیت از دیدگاه هر مکتب و دانشمندی، به نظریه خاص آنها بستگی دارد؛ لکن می‌توان تعریف نسبتاً جامعی از شخصیت را این‌گونه ارائه داد:

مجموعه‌ای سازمان‌یافته و واحدی متشکل از خصوصیات نسبتاً ثابت و مداوم که بر روی هم، یک فرد را از فرد یا افراد دیگر متمایز می‌نماید. (شاملو، ۱۳۷۷: ۱۳)

در قرآن از واژه شخصیت، مستقل سخن به میان نیامده و برای بیانش از واژه شاکله، معادل شخصیت، استفاده شده است. این واژه تنها در آیه ۸۴ سوره اسرا آمده و به این معناست که هرکس، طبق شخصیت و شاکله‌اش عمل می‌کند. درحقیقت، شاکله در ارتباط با شخصیت و هویت آدمی است و چون

شناخت ماهیت و طبیعت انسان که برگرفته از شخصیت اوست، یکی از دغدغه‌های اسلام است، متفکران اسلامی به بررسی آن پرداخته‌اند. در نگاه علامه طباطبایی نسبت شاکله با عمل، درحقیقت نظیر نسبت روح با بدن است که بدن با اعضا و اعمالش آن را مجسم کرده و معنویات او را نشان می‌دهد. شاکله آدمی زاییده نوع خلقت و خصوصیات اوست که از فعل و انفعالات بدنی یا از ناحیه تأثیر خارج از ذاتش حاصل می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۳ / ۲۶۲ و ۲۶۵) برخی شاکله را همان طبیعت درونی و باطنی فرد دانسته‌اند که در ظاهر، تشکل و حالت خاصی در فرد ایجاد می‌کند و درواقع رفتارهای ظاهری فرد، ترشح و تراوش صفات و طبیعت باطنی اوست. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۶ / ۱۹۰؛ باقری، ۱۳۹۹: ۱ / ۱۲۳) در نگاه برخی، شاکله همان معادل شخصیت است و به معنای طبیعتی دانسته‌اند که خلقت انسان بر اساس آن صورت گرفته و تمام اعمال و کردار آدمی طبق آن انجام می‌شود و هیچ تخلفی از آن نشده. (عبدالقادر، ۱۳۸۲: ۲ / ۵۵۷) شاکله در بیانی دیگر، به معنای طریقه و خلیقه و مذهب است. (ابن‌منظور، ۱۴۰۸: ۷ / ۱۷۶) از این‌رو طبری شاکله را به همان معنای طریقه و مذهب یا طبیعت و خوی و منش آدمی گرفته که انسان مطابق آن رفتار می‌کند. (طبری، ۱۳۵۲: ۱۴ / ۱۹۸ - ۱۹۷) برخلاف باور عموم مردم هیچ فردی، فاقد شخصیت نیست. هر شخصی متناسب با خود، ویژگی‌های جسمی، عاطفی و رفتاری منحصر به فردی دارد که هر کدام از این ویژگی‌ها جزء لاینفک شخصیت اوست. بنابراین برخی افراد، متناسب با معیارهای متفاوت جوامع مختلف، دارای سجایای شخصیتی مثبت، و در مقابل آنان، برخی دیگر دارای خصایص شخصیتی منفی هستند. پس به‌طور کلی همه انسان‌ها بدون در نظر گرفتن خصوصیات مثبت و منفی، دارای شخصیت هستند و لذا شخصیت انسان باید بر مبنای صفات پذیرفته‌شده در منابع اسلامی باشد. در متون دینی نمونه‌های زیادی وجود دارد که مبین شکل‌گیری شخصیت آدمی بر اساس صفات وجودی اوست؛ به‌عنوان نمونه خداوند در قرآن، انسان را بر اساس صفاتشان به سه دسته، مؤمن، کافر و منافق طبقه‌بندی، و سجایا و ویژگی‌های شخصیتی هر یک از آنها را بیان کرده است. در تبیین و توصیف افراد مؤمن به ویژگی‌هایی چون: خشوع در نماز (مؤمنون / ۲)؛ دوری از گفتار و عملکرد بیهوده (همان / ۳)؛ پاک‌دامنی (همان / ۵)؛ اجتناب از ربا (آل‌عمران / ۱۳۰) و بدگمانی (حجرات / ۲)؛ توحید خالصانه (فرقان / ۶۸)؛ انفاق کردن روزی (انفال / ۳) اشاره کرده است. همچنین در شرح و بیان خصوصیت شخصیت افراد کافر و منافق، از شاخصه‌هایی مانند: بازدارنده مردم از راه خدا (هود / ۱۹)؛ تندزبانی (احزاب / ۱۹)؛ ریاکاری در عبادت (نساء / ۱۴۲)؛ افساد در پوشش اصلاح (بقره / ۱۱)؛ تشویق به منکرات (توبه / ۶۷) و پخش شایعات (نساء / ۸۳) یاد کرده است. حضرت علی علیه السلام در خطبه ۳۲ نهج‌البلاغه شخصیت افراد را در دو گروه دنیاطلب و مردان مؤمن خدا خلاصه می‌کند که

گروه نخست، به چهار گروه تقسیم می‌شوند: فاسدان بی‌کفایت، ظالمان زورمدار، دنیاپرستان ریاکار، زاهدین دروغین. شخصیت مردان مؤمن خدا قابل قیاس با این گروه نیست. به‌طور کلی از نگاه قرآن و روایات چنین برداشت می‌شود که هستی بر بنیاد اعتدال نهاده شده و معتدل‌ترین شخصیت در همه حوزه‌ها انسان کامل است. (حاجی‌پاشا، فلاح و میریان، ۱۴۰۲: ۴۴)

ب) مربی تراز اسلامی

انسان موجودی دوبعدی است که از یک سو قادر به رشد اعلیٰ علیین است و از طرفی سقوط به اسفل‌السافلین. (نصری، ۱۳۷۱: ۴۷۰) از ویژگی‌های منحصر به فردش که او را «احسن المخلوقین» قرار داده، داشتن فطرت الهی و قدرت اختیار است. (نوروزی و کوهی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۱۲۷) قرارگیری قدرت نطق و قوه عاقله در سرشت وی، از دیگر اسباب ارجحیتش بر سایر موجودات است. (مظفر، ۱۳۸۷: ۱ / ۱۷) انسان از جهت مخلوق بودن، مانند دیگر پدیده‌های عالم است؛ اما هرگز در رتبه و جایگاه آنها قرار ندارد؛ بلکه خدا چنان ارزش والایی برای ساحت وجودی‌اش در نظر گرفته که با سایر پدیده‌های عالم قابل مقایسه نیست و به تعبیر شهید مطهری:

انسان تنها موجودی است که خودش از خودش تفکیک‌پذیر است؛ یعنی ما نمی‌توانیم سنگی داشته باشیم که سنگی نداشته باشد یا گربه‌ای داشته باشیم فاقد گربگی؛ سگی داشته باشیم فاقد سگی؛ پلنگی فاقد پلنگی. هر پلنگی در دنیا آن خصلت‌هایی را که پلنگی می‌نامیم، دارد به سهم غریزه؛ ولی این انسان است که انسان بودن خودش را ندارد و باید تحصیل بکند و انسان بودن هیچ مربوط به جنبه‌های زیستی و بیولوژیکی نیست ... انسانیت یک امری ورای زیست‌شناسی است. (مطهری، ۱۳۶۷: ۷۸)

امیرالمؤمنین، علی علیه السلام در نهج‌البلاغه ترسیمی کامل از انسان با تمام شاخصه‌های اخلاقی مثبت و منفی‌اش دارد و با نگاهی چندبعدی به معرفی انسان پرداخته و تمایلات، احساسات، ضعف‌ها، قدرت‌ها و نیازهایش را به‌خوبی تبیین کرده است. لازمه آموزش اثربخش برای مربی تراز در درس الهیات نیز شناخت همین ساحت‌ها و مراتب وجودی انسان است. آن حضرت با بینش توحیدی خود ویژگی‌های انسان کامل را در نهج‌البلاغه به‌وضوح تبیین کرده است. در نگاه نهج‌البلاغه انسان کامل، عبدالله و عندالله و صاحب مرتبه ولایت و در مرتبه یقین شجاع و بر طریق واضح و مسیر عدل و در افق اعلای انسانی است. (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۲: ۶۶) عبارت «و لهم خصائص حقّ الولاية؛ و برای آنها ویژگی‌های حق ولایت است» (نهج‌البلاغه / خ ۲) به ویژگی‌هایی اشاره می‌کند که فقط در کسانی یافت می‌شود که

شایستگی تربیت و رهبری جامعه را دارند. مربی تراز اسلامی کسی است که در همین مسیر گام برمی‌دارد. او باید از ویژگی‌های انسان کامل برخوردار، و الگوی عملی برای متربیان باشد. او دارای نقش محوری در تربیت و هدایت انسان‌ها در مسیر کمال است.

از سوی دیگر، بدیهی است که هدف از آموزش آموزه‌های دینی با در نظر گرفتن این موارد، رساندن و رسیدن متربی به کمال نهایی خویش است. درواقع همین عامل مهم، انسان را مجاب می‌سازد برای به دست آوردن رشد و تعالی خود نیازمند آموزش‌هایی باشد که راه سعادت را به او نشان دهد و در این زمینه مراتب وجودی‌اش را با آموزش آموزه‌های دینی که مبتنی بر معارف و مبانی رشد و تکامل است، ارتقا دهد. بنابراین در مسیر کمال، متربی نیز با کمک مربی تراز اسلامی، نقش اساسی و خطیری بر عهده دارد. همراهی و تلاش متربی، مکمل زحمات مربی و ضامن موفقیت او در این مسیر است. پس در آموزش آموزه‌های دینی با توجه به تبیینی که از انسان کامل شده، باید به همه ابعاد وجودی انسان توجه داده شود. مربی تراز اسلامی در تربیت متربیان خود، به همه ویژگی‌ها و ابعاد وجود انسان توجه می‌کند و در کنار رشد جسمی، به رشد اخلاقی، معنوی و اجتماعی آنان نیز اهمیت می‌دهد. ویژگی‌هایی را که امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای انسان کامل توصیف کرده، می‌توان در ساحت‌های شش‌گانه تعلیم و تربیت ترسیم کرد.

ج) منطق شش‌گانه بودن ساحت‌های تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت فرایندی تعالی‌جویانه، تعاملی، تربیتی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی است که به‌منظور هدایت افراد جامعه به‌سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبیه در همه ابعاد، زمینه‌های مناسب تکوین و تعالی پیوسته هویت ایشان را در راستای شکل‌گیری و پیشرفت جامعه صالح اسلامی فراهم می‌آورد. (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۱۰) تعلیم و تربیت عهده‌دار شکوفایی استعدادها و پرورش رفتار و صفات مطلوب در متربی است و قلمرو بسیار گسترده‌ای دارد که پرداختن به کل آن در یک زمان، ممکن نیست، از سوی دیگر، پرورش همه آنها با یک روش ممکن نیست و نیازمند کاربرد انواع متفاوتی از روش‌هاست. به همین جهت، ساحت‌بندی تعلیم و تربیت ضرورت دارد. برای این ساحت‌بندی، رعایت چهار ملاک، ضروری است: نخست آنکه ساحت باید شامل دامنه‌ای محدود از استعدادها و بینش‌ها باشد؛ دوم، ناظر به استعداد و موضوعاتی باشد که قابلیت پرورش و شکوفایی را داشته باشند؛ ملاک سوم، استعداد و بینش‌ها و مانند آن باید مربوط به طبیعت آدمی باشند؛ و در آخر، ساحت‌بندی باید به‌گونه‌ای باشد که برای تعلیم و تربیت مفید باشد.

سه ساحت وجودی انسان عبارت است از: ساحت بینشی، گرایشی و رفتاری. هریک از این ساحت‌ها با شش حوزه از روابط انسان مرتبط است که عبارت‌اند از: رابطه با خود، خدا، دیگر انسان‌ها، طبیعت، سیاسی و اقتصادی. بنابراین با توجه به ملاک‌های تقسیم‌بندی و روابط حاکم بر حوزه انسانی، تقسیم معقول و منطقی، عبارت است از: ساحت عبادی، اعتقادی و اخلاقی؛ سیاسی و اجتماعی؛ علمی و فناوری؛ زیستی و بدنی؛ اقتصادی و حرفه‌ای؛ هنری و زیباشناختی. (داودی و کارآمد، ۱۴۰۰: ۱۵۵ - ۱۵۳)

دیگر دلایل شش‌گانه بودن ساحت‌های تعلیم و تربیت را می‌توان بر مبنای هدف آن تبیین کرد. هدف غایی تعلیم و تربیت در دیدگاه اسلام، الهی شدن آدمی است. این مضمون در متون اسلامی با تعبیر مختلفی آمده است، مثل: هدایت شدن به صراط مستقیم، دستیابی به حیات طیبه و ... لازم رسیدن به حیات طیبه، رعایت اصولی است. نخستین جلوه حیات پاک، در عرصه جسم و ارتباط جسمی با اشیا آشکار می‌شود. دومین جلوه از حیات پاک را می‌توان در بعد اخلاق و اندیشه و اعتقاد ملاحظه کرد. سومین جلوه‌گاه از حیات پاک، عرصه گرایش‌ها و هیجانات است که خاستگاهشان اجتماع است. چهارمین عرصه، نیت و اراده آدمی است که متضمن فعالیت‌های مختلف او، از جمله علمی می‌باشد. پنجمین آن، عرصه اعمال و رفتار آدمی چون قناعت و خروج از مصرف‌زدگی است؛ و ششمین، آن است که فرد، ایمان و فعالیت‌های صالح ملازم با حیات پاک را زیبا و هنری بداند. درحقیقت می‌توان به‌وضوح فهمید که رسیدن به حیات پاک چون ساحت‌های شش‌گانه تعلیم و تربیت، ناظر به زندگی ویژه‌ای است که آدمی را به وضع مطلوب رهنمون می‌سازد. (باقری، ۱۳۸۷: ۱ / ۹۱ - ۸۶)

بنابراین تعلیم و تربیت اسلامی، فرایندی هدفمند، نظام‌مند و مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است و ساحت‌های مختلفی را در بر می‌گیرد و در سرنوشت انسان دخالت مستقیم دارد. این فرایند، پیچیده و چندوجهی است و از بدو تولد آغاز می‌شود و در طول زندگی فرد ادامه می‌یابد.

۱. تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی

در این ساحت از تعلیم و تربیت، اعتقادات و مناسک دینی، مورد توجه قرار می‌گیرد و تربی برای رسیدن به ایمان و عمل به آنها تربیت می‌شود. درواقع این ساحت را می‌توان مجموعه‌ای از اقدامات و فعالیت‌هایی دانست که مربی به‌منظور آشنا کردن متربی با اصول و ارزش‌های اخلاقی و پرورش گرایش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی در متربی، انجام می‌دهد. بدیهی است که اقدامات و فعالیت‌های تربیتی در تربیت، در صورتی همراه با موفقیت خواهد بود که سنجیده و حساب‌شده باشد. (داودی و حسینی‌زاده،

ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی که بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است، ناظر به رشد و تقویت مرتبه قابل قبولی از جنبه دینی و اخلاقی حیات طیبیه در وجود متریان، و شامل همه تدابیر و اقداماتی است که جهت پرورش ایمان و التزام آگاهانه و اختیاری متریان به مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، اعمال و صفات اعتقادی، و در راستای تکوین و تعالی هویت دینی و اخلاقی ایشان صورت می‌پذیرد. (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۲۹۹) درحقیقت این ساحت یکی از اهداف مهم پیامبران به‌شمار می‌رود و جایگاه ویژه‌ای در سیره معصومین دارد؛ به‌طوری‌که کمتر خطبه یا نامه‌ای از نهج‌البلاغه را می‌توان یافت که حضرت در آن، از این ساحت، سخن نگفته باشد. در آموزش الهیات که مبانی آن مبتنی بر معارفی است که سبب رشد و ترقی کمالات انسان است، مربی برای مربی باید به‌سان یک انسان کامل برای رهرو باشد. تأثیرگذاری انسان کامل بر آموزش الهیات، تا آنجاست که می‌تواند در سعادت یا شقاوت متعلم نقش بسزایی ایفا کند. مربی برای آنکه بتواند نهایت اثر مطلوب را بر یادگیرنده به‌هنگام تدریس و ورود او به جامعه داشته باشد، باید از خصوصیات و شاخصه‌هایی برخوردار باشد که وجه اعتقادی و اخلاقی او را به‌خوبی نمایان سازد. مربی الهیات زمانی می‌تواند انسانی موحد، مؤمن، معتقد به معاد و متعهد به انجام مسئولیت‌های خود در برابر خدا و دیگران را تربیت کند که خودش از این ویژگی‌ها برخوردار باشد. حضرت، ایمان (خطبه ۲۲)؛ استقامت در دین (خطبه ۱۷۶)؛ محوریت دین در تمام امور زندگانی (خطبه ۸۷، ۱۳۱، ۱۳۶) و دین‌داری و اخلاق (حکمت ۱، ۴۰، ۱۱۳، ۱۳۰، ۱۸۷، ۲۰۳، ۲۴۳، ۲۸۰، ۴۰۷؛ نامه ۷، ۹، ۲۷، ۶۹) را از ویژگی‌هایی می‌داند که معلم در هنگام آموزش الهیات باید داشته باشد و بدون این خصوصیات، مربی نمی‌تواند اثر بهینه و لازم را در مربی ایجاد کند. داشتن بصیرت دینی (خطبه ۲۸۱، ۸۱، ۴۰۱، ۴۰۷، ۳۸)؛ توازن بین ظاهر و باطن (حکمت ۲۱۴، ۳۳۳، ۴۰۶؛ نامه ۳۱، ۴۶)؛ دوری از تحجر و خرافه‌گویی (حکمت ۴۰۰)؛ رعایت اعتدال (حکمت ۶۸، ۲، ۳۳، ۳۵۲، ۱۹۲، ۲۹۶؛ نامه ۴، ۱۹، ۲۱؛ خطبه ۷، ۱۲۷)؛ خدامحوری (خطبه ۸۷، ۱۹۲، ۲۱۶؛ حکمت ۱۶۶)؛ تقوا (نامه ۵۳؛ حکمت ۹۵، ۱۳۰؛ خطبه ۷۶، ۸۳)؛ جهاد با نفس (نامه ۳۰، ۵۳)؛ پرهیز از عجب و خودپسندی (نامه ۵۳؛ حکمت ۳۸، ۴۶، ۱۶۷) متوجه بودن ارزش‌های الهی به جای ارزش‌های غیر الهی (خطبه ۱۳۰، ۱۳۱؛ نامه ۲۷، ۵۳)؛ خشوع (خطبه ۱۹۰)؛ تواضع (خطبه ۱۹۲، ۱۹۳)، رفع و دفع رذایل (حکمت ۱۹، ۲۷، ۳۱) و ... از دیگر مؤلفه‌هایی است که مربی برای مؤثر بودن تدریس خود در زمینه الهیات باید از آنها برخوردار باشد.

۲. تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی

از دیگر ساحت‌های تعلیم و تربیت، ساحت اجتماعی و سیاسی است. این ساحت، بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی، و ناظر به کسب شایستگی‌هایی است که متریان را قادر می‌سازد شهروندانی فعال و

آگاه باشند و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند. درواقع این ساحت، شامل مقوله‌هایی چون ارتباط مناسب با دیگران، تعامل شایسته با نهاد دولت، کسب دانش و اخلاق اجتماعی و مهارت ارتباطی است. (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۳۰۳ - ۳۰۲) تحولات اجتماعی و سیاسی در ادوار مختلف، از زمان ائمه اطهار تا دوره اخیر، جامعه و حکومت را تحت تأثیر قرار داده. این مسئله از دیرباز مورد توجه اهل بیت علیهم‌السلام بوده است؛ زیرا تحقق ایده‌های تربیتی در هر جامعه، در گرو وجود شرایط اجتماعی و سیاسی درستی است که زمینه لازم را برای تحقق آرمان‌های مدنی و سیاسی آن جامعه فراهم سازد. معلم الهیات زمانی می‌تواند این روزنه را در وجود یکایک متربیان و دانش‌آموزانش تقویت کند و تأثیرگذاری لازم را داشته باشد که طبق گفته حضرت علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه، خودش به‌مثابه انسان کامل، از مؤلفه‌هایی چون ارتباط با دیگران (خطبه ۵؛ حکمت ۴۶۴)؛ پرهیز از مصاحبت با بدان (نامه ۳۱، ۶۹)؛ ارتباط داشتن با نهادهای مدنی و اجتماعی (خطبه ۱۶، ۳۹)؛ داشتن اخلاق اجتماعی (نامه ۳۱)؛ اخلاق شهروندی (نامه ۴۷)؛ دارا بودن دانش و مهارت اجتماعی (حکمت ۳۴۹، ۲۲۸، ۵۴، ۴۷، ۳۸، ۷، ۱۵۹، ۳۱۰)؛ قانونمندی (خطبه ۴۰، ۳۰۵)؛ و درنهایت حس فضیلت‌مداری (خطبه ۱۶، ۶۶، ۱۰۰، ۱۲۱، ۱۹۷)؛ حکمت ۱۹۲، ۱۱۹؛ نامه ۲۸) بهره‌مند باشد. گستره مباحث الهیات به‌حدی فراگیر است که یک انسان کامل که به‌عنوان مربی شناخته می‌شود، نمی‌تواند در کلاس و محیط آموزشی خود از مباحث سیاسی و اجتماعی که لازمه اعتلای افراد و جامعه است، دوری کند و تنها به مباحث الهیاتی بسنده کند. تأکید مربی الهیات در هنگام تدریس، بر مبانی‌ای مانند ارتباط درست با افراد جامعه، تقویت حس وطن‌دوستی و افتخار به ارزش‌های اصیل و ماندگار اسلامی و ایرانی، مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری همه‌جانبه، و روحیه جمعی، خودبه‌خود سبب می‌شود افراد توجه توأمان به منافع ملی و مصالح فردی و اجتماعی داشته باشند؛ همچنین باعث صیانت از وحدت ملی و انسجام اجتماعی با محوریت هویت مشترک اسلامی، و درنهایت به حس جامعیت و یکپارچگی و توجه متوازن به جامعه منجر می‌شود.

۳. تعلیم و تربیت علمی و فناوری

ساحت تعلیم و تربیت علمی و فناوری، یکی دیگر از ساحت‌های شش‌گانه تعلیم و تربیت است. این ساحت، بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی، و ناظر به کسب شایستگی‌هایی است که متربیان را در شناخت و توسعه نتایج تجارب متراکم بشری در عرصه علم و فناوری یاری کند تا بر اساس آن، متربیان بتوانند با عنایت به تغییرات و تحولات آینده، درباره جهان هستی و استفاده و تصرف مسئولانه در طبیعت، بینشی ارزش‌مدار کسب کنند. بنابراین این ساحت از تربیت، ناظر به رشد توانمندی افراد جامعه در راستای فهم و درک دانش‌های پایه عمومی، مهارت‌افزایی، به‌کارگیری شیوه تفکر علمی و منطقی،

آمادگی جهت بروز خلاقیت و نوآوری، و نیز ناظر به کسب دانش، بینش و تفکر فناورانه برای بهبود کیفیت زندگی است. (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۳۱۱) اهمیت دادن به علم‌آموزی و ارتقای آن به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در دستیابی انسان به حیات طیبه، مورد توجه نهج‌البلاغه و ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} بوده؛ به‌طوری‌که همواره انسان را به علم نافع فرا خوانده‌اند. مربی الهیات باید به‌گونه‌ای آن را تدریس کند که خلاقیت و نوآوری بر کلاسش حاکم باشد. پرورش و ارتقا و تعمیق عقلانیت و نهادینه‌سازی علم‌محوری در وجود مربی با برنامه‌ریزی صحیح مربی و ارزیابی به‌موقع یافته‌های علمی متریان، خود سبب تقویت روحیه علمی در دانش‌آموزان می‌شود. اگر معلم الهیات که مظهر انسانی کامل است، جو کلاس خود را بر مبنای اجرای آگاهانه فعالیت‌های پژوهشی توسط دانش‌آموزان برای دستیابی آنان به پاسخ سؤالات ایجادشده در ذهن آحاد افراد جامعه تنظیم کند، باعث ارج نهادن متریان به دستاوردهای علمی و تجربه‌های بشری، همچنین شکوفایی تفکر انتقادی و خلاقیت آنها، افزایش انگیزه و علاقه‌شان به یادگیری، گسترش و تعمیق فرهنگ پژوهش و مهارت‌های پژوهشی مانند جمع‌آوری اطلاعات، استدلال منطقی، تحلیل داده‌ها و مستندسازی تجربیات علمی به‌همراه بهره‌مندی هوشمندانه از ظرفیت‌های فناوری می‌شود. همه اینها باعث می‌شود که مربی آموزشی، مهارت‌های آموزشی خویش را ارتقا دهد و در برابر اطلاعات نادرست و آگاهی‌های سطحی، مقاوم‌تر شود.

اما نکته‌ای که مربی الهیات هرگز نباید از آن غفلت ورزد، مسئله عدالت آموزشی است. او وقتی از عدالت حرف می‌زند، اگر عملش با گفته‌اش مغایرت داشته باشد، مانع تأثیر مثبت در بهره‌وری آموزشی متریان می‌شود. مربی زمانی می‌تواند اثر مطلوب و انکارناپذیر بر متریان داشته باشد که از شاخصه‌های انسان کامل که علی^{علیه‌السلام} در نهج‌البلاغه بارها بدان اشاره کرده است، برخوردار باشد. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: علم و فناوری (حکمت ۶، ۷، ۲۷۴، ۴۵۷، ۱۴۷، ۲۸۴)؛ تفکر علمی و منطقی (حکمت ۳۶۶، ۳۳۸، ۴۵۷؛ خطبه ۱۰۵، ۲۳۹)؛ خلاقیت و نوآوری (حکمت ۵، ۷۹، ۱۷۲؛ خطبه ۷۹، نامه ۵۳)؛ داشتن درک و دانش (حکمت ۱۹۶)؛ حقیقت‌جویی (حکمت ۴۲۱؛ نامه ۳۱) و تلفیق و هماهنگی علم و عمل (حکمت ۳۶۶؛ نامه ۳۱).

۴. تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای

این ساحت، ناظر به یکی از ابعاد مهم زندگی آدمی، یعنی بعد اقتصادی و معیشتی است و به رشد توانایی متریان در تدبیر امر معاش و تلاش اقتصادی و حرفه‌ای اشاره دارد. (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۳۰۹) این ساحت نقش مهمی در تعلیم و تربیت جامعه‌های مدرن دارد و در آن، افراد به یادگیری مهارت‌ها و دانش‌های مرتبط با حوزه‌های اقتصادی و حرفه‌ای مشغول می‌شوند. این ساحت، شامل

درس‌ها و دوره‌های آموزشی مخصوص حرفه مورد نظر است و با توجه به اینکه انعطاف‌پذیری در انتخاب و تطابق با تغییرات در دنیای اقتصادی متغیر و پویا مهم است، شامل ایجاد آمادگی یادگیری مهارت‌های جدید، پذیرش تغییرات در حرفه، و تنظیم تغییرات بازار کار در فراگیران می‌شود. لذا توانایی تفکر استراتژیک و برنامه‌ریزی در حوزه‌های اقتصادی و حرفه‌ای، می‌تواند به فراگیران کمک کند که با تعیین راهبردهای موفق برای پیشرفت در حرفه خود، تصمیمات خوبی بگیرند. این مهارت‌ها می‌تواند شامل مهارت‌های فنی، تکنیکی، مدیریتی و ارتباطی باشد که به متریان کمک می‌کند در حرفه خود موفقیت‌آمیز عمل کنند. مهارت‌های مرتبط با اقتصاد و مدیریت مالی باید به دانش‌آموزان و دانشجویان آموخته شود.

اهمیت ساحت تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای را نیز در نهج‌البلاغه می‌توان پیگیری کرد. مربی الهیات به‌مثابه انسانی کامل باید به متریان، اصول و ارزش‌هایی را آموزش دهد که بتواند در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای اقتصادی و حرفه‌ای، تأثیرگذار باشند. این ارزش‌ها شامل انصاف، صداقت، ایمان، عدالت، مسئولیت‌پذیری و مهربانی است. ایجاد محیطی اخلاقی در محیط کار و اقتصاد، می‌تواند به بهبود روابط حرفه‌ای و جلب اعتماد عمومی کمک کند. آموزه‌های الهیات به افراد کمک می‌کند در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با مسائل اقتصادی و حرفه‌ای، به مؤلفه‌های اخلاقی و انسانی توجه کنند؛ این مسائل می‌تواند شامل انتخاب شغل، سرمایه‌گذاری، رفتار در بازارهای مالی، و مسائل دیگر باشد. همچنین در تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، تعادل میان منافع فردی و منافع جامعه اهمیت دارد. مربیان الهیات به متریان یادآوری می‌کنند که فعالیت‌های اقتصادی و حرفه‌ای باید با توجه به اصول انسانی و اخلاقی انجام شود و منفعت شخصی نباید به ضرر منافع اجتماعی باشد. در همین راستا، مؤلفه‌هایی که از دیدگاه نهج‌البلاغه، مربی الهیات در ساحت تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای باید داشته باشد تا بر مربی خود اثر وافی و کافی بگذارد، عبارت‌اند از: حفظ ثروت (حکمت ۳۰۴، ۳۰۷ و نامه ۲۴)؛ اقتصاد و معیشت (حکمت ۲۵۸، ۳۴۰)؛ قوانین کسب و کار (حکمت ۲۷۸، خطبه ۱۵۷ و نامه ۳۱، ۷۴)؛ پرهیز از بطلالت و بیکاری (حکمت ۱۹۶، ۲۳۹)؛ توجه به کارآفرینی (نامه ۵۳، ۹۸، ۱۰۰)؛ پرهیز از اسراف و تبذیر (حکمت ۲۲۹ و نامه ۳۳)؛ درآمد و کسب حلال (حکمت ۵۸، ۳۴۴، ۴۲۹ و نامه ۳)؛ تحول مشاغل و حرفه‌ها (حکمت ۵۷، ۵۸، ۱۹۲، ۳۰۷، ۳۱۶).

۵. تعلیم و تربیت زیستی

ساحت تعلیم و تربیت زیستی، مفهومی مهم از ساحت‌های شش‌گانه تعلیم و تربیت است که به تعلیم و تربیت در زمینه زندگی و مسائل مرتبط با زیست بشری اشاره دارد. این ساحت، ناظر به حفظ و ارتقای

سلامت و بهداشت جسمی و روانی متریان است. (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۳۰۵) این ساحت شامل آموزش در زمینه‌های محیط زیست، بهداشت و سلامت، تغذیه، پایداری، مدیریت منابع طبیعی و سایر موارد مشابه است. تعلیم و تربیت زیستی به متریان کمک می‌کند که درک بهتری از مسائل محیطی داشته باشند و برای حفظ محیط زیست و زندگی سالم، مسئولیت‌پذیرتر تصمیم بگیرند. همچنین به متریان چگونگی شناسایی محیط زیست، مراقبت از آن و درک مشکلات زیست‌محیطی، بهداشت و سلامت، آموزش داده می‌شود تا زندگی سالم‌تری داشته باشند و از بیماری‌ها پیشگیری کنند. لذا آموزش مفاهیم دینی به افراد کمک می‌کند در مصرف منابع طبیعی و اقتصادی، متعادلانه‌تر عمل کنند و به پایداری زیست‌محیطی کمک کنند.

زمانی که مربی الهیات به‌لحاظ زیستی با ظاهری آراسته و مناسب وارد کلاس می‌شود، بی‌شک مربی، مجذوب درس او می‌شود و به‌تبع، او را در چنین مواردی اسوه خویش می‌سازد. آموزش مربی الهیات، تنها محدود به محیط کلاس و مدرسه نیست؛ وقتی مربی در اجتماع، به طبیعت و منابع طبیعی احترام لازم را بگذارد و درصدد حفظشان باشد، خودبه‌خود سبب اثرپذیری متریان از این عملکرد مربی می‌شود. بنابراین نوع نگاه مربی به این آموزه‌ها و تلاش در القای آن به متریان، تأثیر عمیقی بر عملکرد و رفتار آنان در قبال مسائل زیستی دارد.

این آموزه‌ها به انسان‌ها کمک می‌کنند که به‌نحوی اخلاقی و مسئولانه با مسائل زیستی و اجتماعی برخورد کنند و تصمیم‌های صحیحی درباره زندگی روزمره‌شان بگیرند. شاخصه‌هایی که از دیدگاه نهج‌البلاغه، مربی الهیات باید در ساحت زیستی و بدنی، آنها را داشته باشد، عبارت‌اند از: حفظ بهداشت زیستی (حکمت ۴۷۳، ۱۷۵)؛ آرایش ظاهری (حکمت ۴۷۳)؛ استحمام بدن (حکمت ۳۹۷ و خطبه ۲۴۴)؛ زیست‌بوم شهری (نامه ۶۹)؛ منابع طبیعی (حکمت ۱۲۸ و خطبه ۳، ۵، ۱۷۱)؛ احترام به طبیعت (خطبه ۱۵۴)؛ سلامت فردی و اجتماعی (حکمت ۳۰۲، ۱۲۳ و خطبه ۳۴، ۳۵، ۸۳)؛ تعامل مستمر روح و بدن (خطبه ۱ و حکمت ۲۵۶).

۶. تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری

این ساحت، ناظر به رشد و پرورش قوه خیال و عواطف، احساسات و ذوق زیبایی‌شناختی متریان است (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۳۰۷) و به توانایی‌های فردی و جمعی انسان‌ها در فهم و ارزیابی زیبایی‌ها و ارتباط با مفاهیم زیبایی می‌پردازد. تعلیم و تربیت زیباشناختی، اعضای جامعه را با دیدگاهی بهتر به هنر، فرهنگ، و زیبایی‌های محیطی، تربیت می‌دهد. این ساحت به متریان کمک می‌کند دیدگاه‌های خود را در مورد زیبایی‌های محیطی، هنر، معماری، موسیقی، ادبیات، و دیگر عناصر

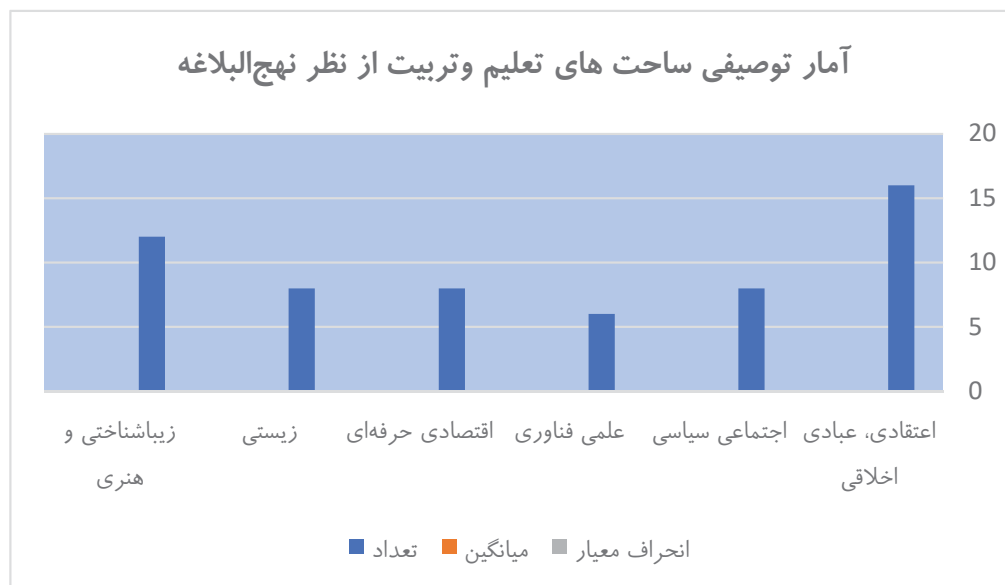
فرهنگی، گسترش دهند و آنها را بهتر درک کنند و استعداد‌های هنری خود را بشناسند و توسعه دهند. این ساحت می‌تواند در ارتقای هنر و فرهنگ و ارتباطات انسانی، و بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها تأثیرگذار باشد. نهج‌البلاغه نیز به مفاهیمی مشابه درباره تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری، و به اهمیت هنر، زیبایی، انعکاس ارزش‌ها، اصول فرهنگی در تربیت انسانی و به آموزه‌های فرهنگی به‌عنوان یکی از ابزارهای انسانی رشد و ترقی انسانی اشاره کرده است. مربی الهیات با تفکر زیبایی‌شناختی و هنری در تبیین مفاهیم دینی و اخلاقی برای متریان می‌تواند نقش بی‌بدیل داشته باشد. به‌طور کلی، ساحت تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری می‌تواند به توسعه قدرت‌های زیباشناختی و هنری متریان کمک کند و تنوع فرهنگی و هنری جوامع را ارتقا بخشد. بنابراین مؤلفه‌هایی که مربی الهیات به‌عنوان انسان کامل در کلاسش باید به آنها توجه داشته باشد تا بر متریان تأثیرگذار باشد، عبارت‌اند از: خیال‌پردازی و عواطف (حکمت ۳۳۳، ۴۷۳)؛ نیک اندیشی (حکمت ۷۸)؛ اخلاق اجتماعی (نامه ۳۱)؛ آرامش روانی (حکمت ۳۳۳)؛ زیبایی ظاهری (حکمت ۴۷۳ و خطبه ۹۱)؛ درک موضوعات ذهنی (خطبه ۹۱ و حکمت ۲۲۳)؛ توان درک خلق آثار هنری (حکمت ۳۳۵، ۳۸۸)؛ خلق معنا و کشف معنا (۳۱، ۶۹)؛ دریافت احساس و معنا (حکمت ۲۱۱، ۹۱، ۳۰۰)؛ سعه صدر (حکمت ۳۱، ۸۲، ۱۵۳)؛ نامه ۳۱، ۵۳؛ خطبه ۳)؛ ارزش‌مداری (نامه ۵۳)، و احترام قائل شدن برای سایر دیدگاه‌ها (نامه ۳۱، ۵۳).

د) جدول آماری

در این بخش، نتایج یافته‌های توصیفی هریک از شاخص‌های توصیفی، اعم از میانگین، انحراف استاندارد و کمترین و بیشترین مقدار ذکر می‌گردد و منظور از تعداد، این است که به هرکدام از ساحت‌های ذکرشده، چند مرتبه در خطبه، حکمت و نامه‌های نهج‌البلاغه اشاره، و به کدام ساحت بیشتر یا کمتر و به چه میزان پرداخته شده است.

جدول (۱) آمار توصیفی ساحت‌های تعلیم و تربیت از نظر نهج‌البلاغه

ساحت	تعداد	میانگین	انحراف معیار
اعتقادی، عبادی اخلاقی	۱۶	۳۲,۲۳	۱,۰۹
اجتماعی سیاسی	۸	۱۵,۷۴	۲,۲۸
علمی فناوری	۶	۱۱,۳۴	۳,۸۴
اقتصادی حرفه‌ای	۸	۱۵,۷۴	۲,۲۸
زیستی	۸	۱۵,۷۴	۲,۲۸
زیباشناختی و هنری	۱۲	۲۳,۳۸	۱,۶۴



نمودار (۱) آمار توصیفی ساحت‌های تعلیم و تربیت از نظر نهج البلاغه

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، دارای بالاترین میانگین (۳۲,۲۳) است و در مرتبه نخست اهمیت در میان ساحت‌ها قرار دارد و ساحت علمی و فناوری دارای کمترین میانگین (۱۱,۳۴) است. این نتیجه آماری، در تضاد با نظام‌های آموزشی مبتنی بر مادیات است که صرفاً بر جنبه‌های مادی علم تمرکز دارند چرا که اگر انسان صرفاً به دنبال اکتساب دانش مادی باشد و به ابعاد ارزشی، اخلاقی و تهذیب نفس بی‌توجهی کند، نظام آموزشی آن، با وجود پیشرفت‌های ظاهری و مادی چشمگیر، از ارزش ذاتی و اصیل چندی برخوردار نخواهد بود.

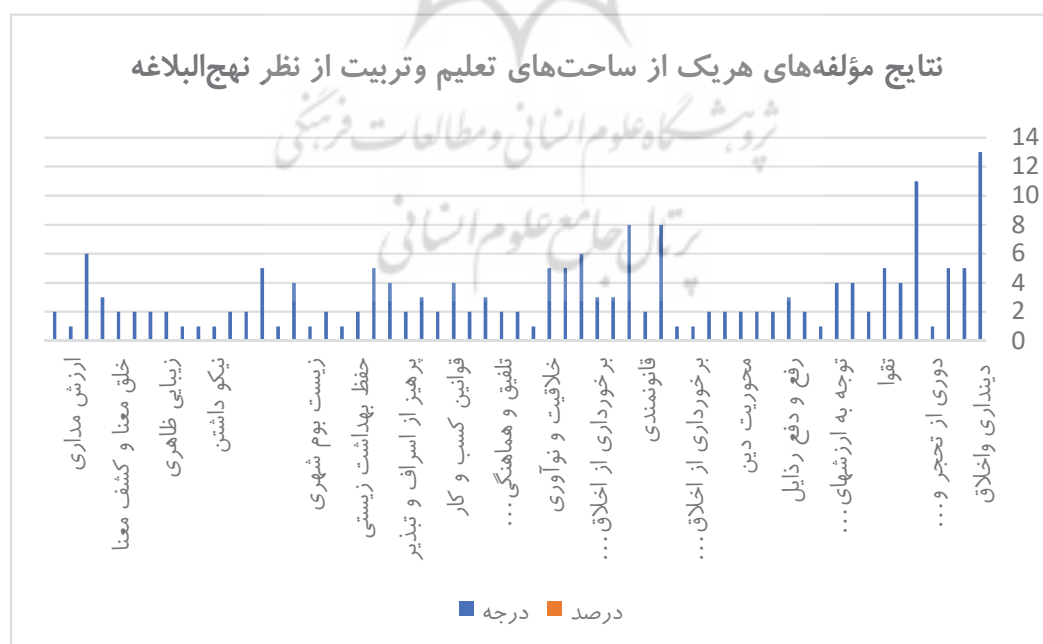
جدول (۲) نتایج مؤلفه‌های هر یک از ساحت‌های تعلیم و تربیت از نظر نهج البلاغه (N=120)

درصد	درجه	مؤلفه	ساحت
۷۵٪	۱۳	دین‌داری و اخلاق	اعتقادی، عبادی اخلاقی
۲۵٪	۵	داشتن بصیرت دینی	
۲۵٪	۵	توازن بین ظاهر و باطن	
۵٪	۱	دوری از تحجر و خرافه‌گویی	
۵۵٪	۱۱	رعایت اعتدال	
۲۰٪	۴	خدامحوری	
۲۵٪	۵	تقوا	
۱۰٪	۲	جهاد با نفس	
۲۰٪	۴	پرهیز از عجب و خودپسندی	

توجه به ارزش‌های الهی به جای ارزش‌های غیرالهی	۴	۲۰/	
خشوع	۱	۵/	
تواضع	۲	۱۰/	
رفع و دفع رذایل	۳	۱۵/	
ایمان	۱	۵/	
استقامت در دین	۱	۵/	
محوریت دین	۳	۱۵/	
ارتباط با دیگران	۲	۱۰/	اجتماعی سیاسی
پرهیز از مصاحبت با بدان	۲	۱۰/	
برخورداری از اخلاق اجتماعی	۱	۵/	
اخلاق شهروندی	۱	۵/	
دارا بودن دانش و مهارت اجتماعی	۸	۴۰/	
قانونمندی	۲	۱۰/	
داشتن حس فضیلت‌مداری	۸	۵۰/	
ارتباط داشتن با نهادهای مدنی و اجتماعی	۲	۱۰/	علمی فناوری
علم و فناوری	۶	۳۰/	
تفکر علمی و منطقی	۵	۲۵/	
خلاقیت و نوآوری	۵	۲۵/	
داشتن درک و دانش	۱	۵/	
حقیقت‌جویی	۲	۱۰/	
تلفیق و هماهنگی علم و عمل	۲	۱۰/	
حفظ ثروت	۳	۱۵/	اقتصادی حرفه‌ای
اقتصاد و معیشت	۲	۱۰/	
قوانین کسب و کار	۴	۲۰/	
پرهیز از بطالت و بی‌کاری	۲	۱۰/	
توجه به کارآفرینی	۳	۱۵/	
پرهیز از اسراف و تبذیر	۲	۱۰/	
درآمد و کسب حلال	۴	۲۰/	
تحول مشاغل و حرفه‌ها	۵	۲۵/	زیستی
حفظ بهداشت زیستی	۲	۱۰/	
آرایش ظاهری	۱	۵/	
استحمام بدن	۲	۱۰/	

زیست بوم شهری	۱	۰/۵
منابع طبیعی	۴	۰/۲۰
احترام به طبیعت	۱	۰/۵
سلامت فردی و اجتماعی	۵	۰/۲۵
تعامل مستمر روح و بدن	۲	۰/۱۰
خیال پردازی و عواطف	۲	۰/۱۰
نیک اندیشی	۱	۰/۵
اخلاق اجتماعی	۱	۰/۵
آرامش روانی	۱	۰/۵
زیبایی ظاهری	۲	۰/۱۰
درک موضوعات ذهنی	۲	۰/۱۰
توان درک خلق آثار هنری	۲	۰/۱۰
خلق معنا و کشف معنا	۲	۰/۱۰
دریافت احساس و معنا	۳	۰/۱۵
سعه صدر	۶	۰/۳۰
ارزش مداری	۱	۰/۵
احترام قائل شدن برای سایر دیدگاه‌ها	۲	۰/۱۰

زیباشناختی و هنری



نمودار (۲) نتایج مؤلفه‌های هریک از ساحت‌های تعلیم و تربیت از نظر نهج البلاغه (N=120)

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد،^۱ دو مؤلفه (الف) دین‌داری و اخلاق و (ب) اعتدال از ساحت اعتقادی، عبادی اخلاقی، نسبت به سایر مؤلفه‌ها در این ساحت و سایر ساحت‌ها، از بالاترین میزان اهمیت برخوردار است و بقیه مؤلفه‌ها در مرتبه‌های پایین‌تر قرار دارند.

نتیجه

هدف پژوهش حاضر، تبیین الگوی شخصیتی و عملی مربی تراز اسلامی از منظر نهج‌البلاغه و تأثیر او بر آموزش الهیات با رویکرد ساحت‌های شش‌گانه تعلیم و تربیت بود. در این راستا، ابتدا نهج‌البلاغه که یکی از منابع مهم اسلامی است و در آن، اصول و مبانی تربیت انسان به شیوه‌هایی زیبا و عمیق بیان شده، بررسی شد. حضرت در نهج‌البلاغه شاخصه‌ها و ویژگی‌های شخصیتی انسان کامل را به‌خوبی تبیین کرده است. نتایج بررسی‌ها نشان داد که ویژگی‌های استخراج‌شده با توجه به ساحت‌های تعلیم و تربیت را ذیل شش ساحت می‌توان دسته‌بندی کرد. در ساحت تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، شانزده شاخصه، و در ساحت‌های تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، ساحت تعلیم و تربیت زیستی هرکدام هشت شاخصه، و در ساحت تعلیم و تربیت علمی و فناوری شش شاخصه، و در ساحت تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری دوازده شاخصه بررسی شد. نتایج به‌دست‌آمده از جداول آماری نشان داد ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی دارای بالاترین میانگین (۳۲,۲۳) و ساحت علمی فناوری دارای کمترین میانگین (۱۱,۳۴) است. همچنین در میان مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده هر یک از این ساحت‌های شش‌گانه، دو مؤلفه دین‌داری و اخلاق، و مؤلفه اعتدال، دارای بالاترین میزان نسبت به سایر مؤلفه‌هاست.

امثال نوشتار پیش رو، حاکی از سه دستاورد مهم، و در پی تحقق بیش از پیش آن است که عبارت‌اند از:

(الف) الگوی شخصیتی و عملی استخراج‌شده از متون دینی، مثل نهج‌البلاغه، درباره مربی تراز اسلامی، به‌کار گرفته شود.

(ب) پژوهش‌های بیشتر در زمینه نقش و جایگاه هر یک از ساحت‌های تعلیم و تربیت به‌صورت جداگانه درباره مربیان و نقش آنان بر متریان آموزشی انجام شود.

(ج) برنامه‌های درسی مربیان و معلمان الهیات با توجه به الگوی استخراج‌شده از نهج‌البلاغه و نقش محوری آن در سعادت و شقاوت انسان‌ها، بازنگری و به‌روزرسانی شوند.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه (۱۳۷۹). ترجمه محمد دشتی. قم: مشهور.

- آتکینسون، ریتال و دیگران (۱۴۰۰). *زمینه روانشناسی هیلگارد*. ترجمه محمدنقی براهنی و دیگران. تهران: رشد.
- آلن، راس (۱۳۷۵). *روان‌شناسی شخصیت (نظریه‌ها و فرایندها)*. ترجمه سیاوش جمالفرو. تهران: نشر روان.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸). *لسان العرب*. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- باقری، خسرو (۱۳۸۷). *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران*. تهران: علمی و فرهنگی.
- باقری، خسرو (۱۳۹۹). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. تهران: مؤسسه فرهنگی برهان.
- بخشیان، ابوالقاسم (۱۳۹۱). *بایسته‌های تربیت دینی با رویکرد به استاد و مربی*. *مجله مربیان*. ۱۳ (۱). ۱۲۴-۱۰۹.
- بهروز، زهرا و طیبیه توسلی (۱۳۹۳). *تقدم تزکیه بر تعلیم و انعکاس آن در ویژگی‌های مربی و معلم از دیدگاه اسلام*. *پژوهشنامه تربیت تبلیغی*. ۳ (۱). ۱۷۶-۱۴۹.
- توکلی، یاسین (۱۳۹۷). *تربیت معلم تراز نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس آموزه‌های قرآن کریم*. *مجله توسعه حرفه‌ای معلم*. ۲ (۴). ۸۹-۷۵.
- حاجی‌پاشا، مرتضی؛ ابراهیم فلاح و سید احمد میریان (۱۴۰۲). *اعتدال‌گرایی در سبک زندگی اسلامی و عوامل مؤثر بر آن از منظر قرآن و روایات*. *مجله سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*. ۷ (۳). ۵۱-۴۳.
- حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۷۲). *انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه*. قم: قیام.
- داودی، محمد و حسین کارآمد (۱۴۰۰). *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*. سبزوار: دانشگاه فرهنگیان.
- داودی، محمد و سید علی حسینی‌زاده (۱۳۹۸). *سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت*. تهران: سمت.
- سروش، کمال (۱۳۹۴). *نقش عقل عملی در کمال انسان*. *فصلنامه حکمت اسلامی*. ۲ (۱). ۸۶-۶۵.
- *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش* (۱۳۹۰).
- سهروردی، یحیی بن حبش (۱۳۷۳). *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*. به تصحیح هانری کربن. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

- سیاسی، علی‌اکبر (۱۳۵۲). *روان‌شناسی شخصیت*. تهران: چاپخانه سپهر.
- شاملو، سعید (۱۳۷۷). *مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت*. تهران: رشد.
- شه‌بخش، آمنه (۱۳۸۸). شناخت و تبیین انسان کامل در حوزه عرفان عملی (بر اساس آرای عزیزالدین نسفی، سنایی و عطار). *نشریه ادبیات فارسی*. ۵ (۴). ۱۷۵ - ۱۲۷.
- شهریاری، روح‌الله و حسن نجفی (۱۳۹۸). صلاحیت حرفه‌ای مربیان تربیت دینی: ارائه چارچوبی همسو با حکمت ۱۴۷ نهج‌البلاغه. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*. ۹ (۴). ۲۲۴ - ۱۹۷.
- صادقی، علی (۱۳۹۳). نقش تعلیم و تربیت در معرفی، الگودهی و تقویت ارزش‌های دینی. *مجله پیوند*. ۳۵ (۲). ۸۸ - ۷۴.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۳). *تفسیر المیزان*. ترجمه محمدباقر موسوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، ابوعلی الفضل بن حسن (۱۳۵۲). *تفسیر مجمع البیان*. ترجمه احمد بهشتی. تهران: فراهانی.
- عباسی، زینب؛ مریم زرین‌کیا، و زهرا جعفری (۱۴۰۲). تبیین ویژگی‌های معلم تراز با رویکرد سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش. *سومین کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایند تعلیم و تربیت*. ۹ - ۱.
- عبدالقادر، خویش (۱۳۸۲ ق). *بیان المعانی*. دمشق: مطبعة الترقی.
- فارابی، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق). *الاعمال الفلسفیه*. مقدمه و تحقیق و تعلیق جعفر آل‌یاسین. بیروت: دار المناهل.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۹). بنیان اخلاقی اصل تقدم تعلیم و تربیت خویش بر تعلیم و تربیت دیگران در پرتو حکمت ۷۳ نهج‌البلاغه. *پژوهش‌های نهج‌البلاغه*. ۹ (۳). ۵۱ - ۴۱.
- *مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران* (۱۳۹۰).
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). *به‌سوی خودسازی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۷). *انسان کامل*. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۸۷). *منطق*. ترجمه علی شیروانی و محسن غرویان. قم: دار العلم.
- معتمد، حمیدرضا؛ نرگس یحیایی و علیرضا قاسمی‌زاده (۱۴۰۱). طراحی و تدوین الگوی تربیت معلم کارآمد تراز جمهوری اسلامی با تأکید بر اسناد بالادستی. *مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*. ۳۰ (۱). ۳۰۱ - ۲۷۹.

- مهدی‌زاده، محمدصادق (۱۳۹۶). بررسی اخلاق حرفه‌ای معلمی در نظام تربیت اسلامی از منظر استاد شهید مطهری. *پویش در آموزش علوم انسانی*. ۲ (۲) ۳۸ - ۲۲.
- نصری، عبدالله (۱۳۷۱). *سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- نوروزی، رضا علی و هاجر کوهی اصفهانی (۱۳۹۲). بررسی تبیین مفهوم انسان متعالی از منظر قرآن کریم. *پژوهش‌های معارف قرآن*. ۴ (۲). ۱۳۰ - ۱۰۱.
- نوروزی‌نژاد، محمد و مینو طباطبائی (۱۳۹۹). رویکرد تعلیم و تربیت در ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش. *فصلنامه بین‌المللی میان‌رشته‌ای Pure Life*. ۷ (۴). ۶۴ - ۳۵.
- نیچه، فریدریش (۱۳۷۷). *اراده معطوف به قدرت، آزمایشی در دیگرگونی همه ارزش‌ها*. ترجمه محمدباقر هوشیار. تهران: نشر و پژوهش فروزان‌فر.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی